

شمس با آن چشمان خیس از بالای مناره معنوم به دوردست زده و بی وقفه و مدام بهانه جلال الدین محمد بلخی را می گیرد.آن سوتر مولانا جلال الدین نیز کاسه چه کنیم چه کنم به دست گرفته و زیر لب نجوا می کند: عاقبتم چنین شود، مرگ من وبقای تو... شمس اما لبخند نمی زند و با آن دونی نی پرسشگر و مغبون فقط جهان را شبنمی می کند. از وقتی زمین لرزید و لب های خوی تکان خورد و سوز سرما همه جا را گرفت، دیگر نه خنده های شمس زیر خروارها خاک موج بر می دارد و نه آفتابگردان ها نقش خویش را از خواب مرگ پاک می کنند. گسل آناتولی داغدار است و اندهگین و در این روزهای پرمالال به همان شب بخیر ساده ستاره هادل خوش کرده. از وقتی زلزله آمد و در سرمای آدمکش، جیب ها را به دست ها بهدکار کرد، یک لیوان آب ولرم از گلولی آریایی ها، عثمانی ها و سوری ها پایین نرفت از این همه تعب و درد و زخم ناسور. حالا که جهان شریک اندوه خوی و قاضی آنتپ شده و جوانمردان و قلندران راه شهرهای خاموش را پیش گرفته اند باید چشم انتظار تولد یک فرشته نجات ماند.یکی همچون غلامرضا تختی یا ناظم حکمت که انبان به دست گیرند و به شکل اسبی مجنون که شیمه می کشد از دشت ها و کوهستان ها به سلامت بگذرند و قرص نانی در سفره ها بگذارند. شهرهای آغشته به مرگ اما با تکلم لال خویش به افق های پیش رو دل بسته و دوست ندارند با تیخیر مستقیم دردهایشان به هیچستان یله دهند و تاریخ دلبرای خویش را نقطه بگذارند. برای همین شاید آفتابگردان و عسل و فرش ماهی قاب چشم ها را خالی نمی کنند تا به یاد جماعت دیدار بیاورند که فرجام این شهرها که قلبشان تیر می کشد مرگ نیست و دیر یا زود کسی به چشم های شمس ناخنک خواهد زد. در این بلبشو چه خوب است که پهلوانان بانام و بی نام گوشته چشمی به زلزله مهیب داشته و سرما را از کوچه ها پاک کنند تا گرما با آستین های تا زده در چادرهای خاموش گرم کند مردمانی را که به طرز عجیبی اعضای یک پیکرند. سلام به خوی. سلام به آناتولی. سلام به آفتابگردان ها که همین لحظه دارند نگاهمان می کنند سلام به مولانا و مرشد معنوی اش که دست به کمر ایستاده تا زمین به شکل ساده شود بر گردد و آغشته به طعم عسل مشام مادرش را لختی نوازش دهد...

نکته

غلامرضا نوری قزلجه:

بر خوردهای نمایندگان در مورد استیضاح ها جدی نیست

یک نماینده مجلس درباره وضعیت اقتصادی کشور اظهار داشت: دولت تاکنون برنامه مشخص و روشنی به مجلس ارائه نداده است و متأسفانه حتی همه شعارها و وعده و برنامه‌هایی که شفاهی در حوزه‌های مختلف گفته بود را هم انجام نداد. غلامرضا نوری قزلبچه گفت: چه در بحث مسکن، چه در بحث رشد اقتصادی، چه در اشتغال، چه در کنترل تورم و نقدینگی و... عملکرد مثبت از دولت دیده نمی‌شود و نمی‌توانیم بگوییم که در فلان حوزه، به دولت پیشرفت کرده است. وی افزود: شعار ما در مجلس از همان اول، این بود که دولت را حمایت کنیم تا در برنامه‌هایش موفق شود و کماکان هم این حمایت را داریم، ولی احساس می‌کنیم که دولت این حمایت را ندارد. مثلاً دولت حتی پیش خودش نمی‌گوید که من به مردم در انتخابات و مجلس، شعار و وعده دادم و را به دست گرفته‌ام. است. چگونه به حرف‌هایم عمل کنم و از چه کسانی کمک بگیرم؟ به نظر می‌آید که یک دایره محدود بدون توجه به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم، وضع تولید، منابع تولید، ارزش پول ملی، تورم و خروجی تصمیمات، کار را به دست گرفته‌است. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس بیان کرد: وقتی مردم با ما صحبت می‌کنند، ما هیچ حرفی برای گفتن نداریم. به‌طور مثال قیمت مسکن، خودرو، اقدام اساسی و دارو چند برابر شده است. از این رو هیچ توجیهی برای مردم نداریم. واقعاً نمی‌دانیم چه بگوییم و چطور برای شرایط را برایشان تشریح کنیم که وضع این‌گونه شد؟ برخی مسئولان نسبت به موضوعات به این مهمی و اساسی در کشور، کم‌توجهی دارند. عضو مجمع نمایندگان استان آذربایجان شرقی عنوان کرد: در مجلس هم بر خودردهای نمایندگان با دولت، مثلاً در مورد استیضاح‌ها جدی نیست و ما انتظار داشتیم که دولت خودش کابینه را مقدراتی ترسیم و دایره سیاسی را کمی بزرگ‌تر بگیرد و در همین جریان فکری، از افراد کارآمدتر و کاربلدتر استفاده کند. نوری اظهار کرد: دولت روی تدوین بودجه نیز کار خاصی انجام نداد هیچ‌وقت سابقه نداشته باشد که برنامه‌ای نوشته نشود و بودجه با یک ماه تأخیر بدون آنکه قبلاً بر نامه توسعه فتمن به مجلس بیاید به ما ارائه کنند. بودجه امسال، یک بودجه تورم‌زاست.

خبر

اخذ تعهد از زندانیان آزادشده غیر واقعی است

در حالی که طی چند روز گذشته و پس از موافقت رهبر معظم انقلاب با پیشنهاد رئیس دستگاه قضائی، بخش قابل توجهی از بازداشتی‌های اعتراضات اخیر و سایر محکومین یا آزاد شده‌اند یا از ستانه آزادی و مختومه شدن پرونده قضائی خود قرار دارند و این حرکت با استقبال گسترده مردم و نخبگان روبه‌رو شده و فضای اجتماعی پرنشاطی را در کشور ایجاد کرده است، انتشار برخی اخبار مخدوش و غیر صحیح در بعضی رسانه‌های رسمی و همچنین فضای مجازی ظاهراً در تلاش است تااصل این حرکت مهم و بزرگ را تحت الشعاع قرار دهد. از جمله این اخبار غیردقیق، اشاره به اخذ تعهدات متنوع از زندانیان است که بر اساس بررسی‌های دقیق مرکز رسانه قوه قضائیه با واقعیت جاری در زندان‌ها تطبیق نداشته و غیر صحیح هستند. بر این اساس تنها تعهدی که از بازداشتی‌های وقایع اخیر کشور برای آزادی آنها یا مختومه شدن پرونده‌هایشان گرفته شده است متمرکز بر تعهد البته اختیاری آنها با موضوع عدم تکرار جرمی بوده که مرکب شده‌اند که این تعهد نیز مبنا و منطق کاملاً روشن و مشخص حقوقی و قضائی دارد.

مهدی زارع، استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

زلزله ترکیه

می‌توانست

در تهران رخ بدهد

تهران، مهم‌ترین نقطه زلزله‌خیز در ایران است

شرایط زلزله‌خیزی تهران با یک ماه یا یک سال گذشته تفاوتی نداشته است

زلزله ترکیه بدترین اتفاق قابل انتظار بود

نیازمند مجموعه اقداماتی برای کاهش میزان تلفات در زلزله‌های ایران هستیم

نباید هشدارها نسبت به وقوع زلزله در ایران را به فراموشی بسپاریم

مسائل حقوق بشری نباید مانع تحقق برجام شود



آرمان ملی – احسان انصاری: میزان قربانیان زلزله ترکیه به بیش از ۲۰هزار نفر رسیده و جهان با یک فاجعه انسانی در منطقه مرزی ترکیه و سوریه مواجه شده است. این در حالی است که احتمال افزایش تعداد قربانیان تا چندین برابر نیز وجود دارد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این زلزله بزرگ با دکتر مهدی زارع، استاد پژوهشگاه زلزله‌شناسی گفت‌وگو کرده است. زارع معتقد است: «شرایط به شکلی است که زلزله‌ای که در ترکیه رخ داد می‌توانست در تهران رخ بدهد. نکته مهمی که وجود دارد این است که هشدارهایی که در شرایط کنونی نسبت به زلزله در تهران، خوی، تبریز و... داده می‌شود به نوعی فرصت طلبانه است. به هر حال شرایط زلزله‌خیزی این شهرها در شرایط کنونی با یک ماه و یا حتی یک سال قبل هیچ تفاوتی نکرده است. امروز تنها به این دلیل درباره احتمال وقوع زلزله‌های بزرگ در ایران صحبت می‌کنیم که این اتفاق در ترکیه رخ داده است. این در حالی است که تاکنون هشدارهای زیادی درباره احتمال زلزله در تهران و دیگر مناطق کشور داده شده و اما به این هشدارها توجه نشده است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

کشور که روی گسل‌های فراوانی وجود دارد باید مهم‌ترین ناحیه از نظر ریخت زلزله قلمداد شود. برخی از مسئولان می‌گویند از حوادث گذشته درس گرفتیم، این جمله غلطی هم نیست، ولی در عین‌حال باید نگاه کنیم، ببینیم که چقدر کارهایی برخلاف درس‌های زلزله‌های گذشته انجام داده‌ایم. روندی که در ۵۰سال اخیر، به‌ویژه ۲۰سال اخیر، در شهر تهران اتفاق افتاده، آن را به سمتی پیش برده که وضع زیست عادی‌اش هم متناسب نیست. مشکل تهران متمرکز که این‌همه در معرض زلزله و سایر سوانح است، در جهت خنثی کردن درس‌هایی بوده که از زلزله‌های پیشین گرفته‌ایم. مثلاً در انتهای کوچه مسجد و ولنجک، روی گسل شمال، برج‌های دوقلو احداث شده است. حتی اگر مطلقاً گسل را هم در نظر نگیریم، آن منطقه زمین‌مناسبی حتی برای آمدوشد عادی هم نیست. درحالی‌که این برج‌ها به نوعی نماد تهران مدرن است. حتی در جنوب تهران هم اگر از سمت بهشت زهرا(س) حرکت کنید، با خیلی از ساختمان‌های نو مواجه می‌شوید که تجمع جمعیتی بالایی هم دارند. خیلی از اینها در جاهایی ساخته شده‌اند که اگر زلزله‌ای به بزرگی ۵ ریشتر هم اتفاق بیفتد، می‌تواند شدت لرزش زمین را سه تا چهار برابر و حتی گاهی بیشتر کند. در تهران در گذشته زلزله‌های زیادی رخ داده و این احتمال وجود دارد که در آینده نیز چنین اتفاقی برای شهر تهران رخ بدهد. ما باید در زمینه زلزله‌خیزی تهران و البرز یک حساب ویژه باز کنیم و تدابیر لازم را برای آن در نظر بگیریم. ما باید به شکلی برنامه‌ریزی کنیم که میزان ریسک تلفات بالای زلزله در تهران کاهش پیدا کند. مجموعه اقداماتی در این زمینه باید صورت بگیرد که کار یک نهاد و فرد نیست، بلکه نیاز به یک کار جمعی است. از سوی دیگر تنها کار مطالعاتی نیز کافی نیست و نیازمند کارهای اجرایی نیز در این زمینه هستیم.

میزان ۷/۸ ریشتر زلزله که در ترکیه رخ داده شدت بالایی دارد. بیش‌ترین شدت زلزله که تاکنون در جهان ثبت شده کجا بوده و چه میزان تلفات داشته است؟ از نظر زمین‌شناسی چه مناطقی مستعد زلزله‌های بزرگ هستند؟
بیشترین میزان قدرت زلزله که تاکنون ثبت شده در شیلی رخ داده که ۹/۵ ریشتر بوده و در دریا رخ داده است. به دلیل اینکه این زلزله در دریا رخ داده تعداد تلفات در حدود ۱۰۰۰ نفر بوده است. در مورد ترکیه باید عنوان کنیم زلزله ارتجان سال ۱۹۳۹ ترکیه با بزرگای ۷.۷ ریشتر نیز تلفات زیادی داشت و بعد از آن از نظر تاریخی زلزله با بزرگای مشابه سراغ نداریم و رخداد لرزه‌ای روز دوشنبه شدیدترین زلزله بعد از واقعه سال ۱۹۳۹ به شمار می‌آید. شهر ارتزانج که در یک حوزه فروکش در محل اتصال سه گسل فعال؛ یعنی گسل‌های شمال آناتولی، شمال شرق آناتولی و گسل اوایجک قرار دارد، یکی از خطرناک‌ترین مناطق لرزه خیز است. فعالیت‌های لرزه‌ای مهم از جمله رویدادهای ۲۷ دسامبر ۱۹۳۹ (با بزرگای ۸.۷ ریشتر) و ۱۳ مارس ۱۹۹۲ (با بزرگای ۶.۶ ریشتر) به این پهنه مربوط است. همچنین زلزله سال ۱۱۳۸ حلب که در جنوب پهنه زلزله زده، زمین لرزه اخیر واقع شده بود، یکی از مرگبارترین زمین لرزه‌های تاریخ به شمار می‌رود. شهر حلب در شمال سوریه بیش‌ترین تلفات را در این زلزله داشت. این زلزله در ۱۱ اکتبر ۱۱۳۸ رخ داد و قبل از آن زلزله‌ای کوچک‌تر در دهم همین ماه رخ داده بود. از زلزله حلب اغلب به عنوان سومین زمین لرزه مرگبار در تاریخ پس از زمین لرزه‌های شنی و تانگشان چین یاد می‌شود. رقم تلفات آن ۲۳۰ هزار نفر گزارش شده است. این زمین لرزه آغاز اولین مورد از دو رشته زمین لرزه شدید در منطقه بود، اکتبر ۱۱۳۸ تا ژوئن ۱۱۳۹ و زلزله‌های شدیدتر بعدی از سپتامبر ۱۱۵۶ تا مه ۱۱۵۹. مجموعه رخدادهای لرزه‌ای اول مناطق اطراف حلب و بخش غربی را در منطقه ادسا(شانیلورفای امروزی) تحت تأثیر قرار داد و در مرحله دوم منطقه‌ای که شمال غرب سوریه، شمال لبنان را دربرمی‌گیرد و منطقه انطاکیه – (انتاکیا امروزی، در جنوب ترکیه – در معرض زمین لرزه‌های ویرانگر قرار گرفت.

من متوجه نمی‌شوم که چرا این هشدارها همیشگی نیست و به محض اینکه چنین اتفاقی در یک کشور دیگر می‌دهد همه هشدار می‌دهند اما پس از مدتی دوباره همه چیز فراموش می‌شود و به روال گذشته باز می‌گردد

تاکتون در جهان ثبت شده کجا بوده و چه میزان تلفات داشته است؟ از نظر زمین‌شناسی چه مناطقی مستعد زلزله‌های بزرگ هستند؟

بیشترین میزان قدرت زلزله که تاکنون ثبت شده در شیلی رخ داده که ۹/۵ ریشتر بوده و در دریا رخ داده است. به دلیل اینکه این زلزله در دریا رخ داده تعداد تلفات در حدود ۱۰۰۰ نفر بوده است. در مورد ترکیه باید عنوان کنیم زلزله ارتجان سال ۱۹۳۹ ترکیه با بزرگای ۷.۷ ریشتر نیز تلفات زیادی داشت و بعد از آن از نظر تاریخی زلزله با بزرگای مشابه سراغ نداریم و رخداد لرزه‌ای روز دوشنبه شدیدترین زلزله بعد از واقعه سال ۱۹۳۹ به شمار می‌آید. شهر ارتزانج که در یک حوزه فروکش در محل اتصال سه گسل فعال؛ یعنی گسل‌های شمال آناتولی، شمال شرق آناتولی و گسل اوایجک قرار دارد، یکی از خطرناک‌ترین مناطق لرزه خیز است. فعالیت‌های لرزه‌ای مهم از جمله رویدادهای ۲۷ دسامبر ۱۹۳۹ (با بزرگای ۸.۷ ریشتر) و ۱۳ مارس ۱۹۹۲ (با بزرگای ۶.۶ ریشتر) به این پهنه مربوط است. همچنین زلزله سال ۱۱۳۸ حلب که در جنوب پهنه زلزله زده، زمین لرزه اخیر واقع شده بود، یکی از مرگبارترین زمین لرزه‌های تاریخ به شمار می‌رود. شهر حلب در شمال سوریه بیش‌ترین تلفات را در این زلزله داشت. این زلزله در ۱۱ اکتبر ۱۱۳۸ رخ داد و قبل از آن زلزله‌ای کوچک‌تر در دهم همین ماه رخ داده بود. از زلزله حلب اغلب به عنوان سومین زمین لرزه مرگبار در تاریخ پس از زمین لرزه‌های شنی و تانگشان چین یاد می‌شود. رقم تلفات آن ۲۳۰ هزار نفر گزارش شده است. این زمین لرزه آغاز اولین مورد از دو رشته زمین لرزه شدید در منطقه بود، اکتبر ۱۱۳۸ تا ژوئن ۱۱۳۹ و زلزله‌های شدیدتر بعدی از سپتامبر ۱۱۵۶ تا مه ۱۱۵۹. مجموعه رخدادهای لرزه‌ای اول مناطق اطراف حلب و بخش غربی را در منطقه ادسا(شانیلورفای امروزی) تحت تأثیر قرار داد و در مرحله دوم منطقه‌ای که شمال غرب سوریه، شمال لبنان را دربرمی‌گیرد و منطقه انطاکیه – (انتاکیا امروزی، در جنوب ترکیه – در معرض زمین لرزه‌های ویرانگر قرار گرفت.

هشدارهایی که در شرایط کنونی نسبت به زلزله در تهران، خوی، تبریز و... داده می‌شود به نوعی فرصت طلبانه است. به هر حال شرایط زلزله‌خیزی این شهرها در شرایط کنونی با یک ماه و یا حتی یک سال قبل هیچ تفاوتی نکرده است. امروز تنها به این دلیل درباره احتمال وقوع زلزله‌های بزرگ در ایران صحبت می‌کنیم که این اتفاق در ترکیه رخ داده است

و به‌شدت آسیب‌پذیر در دو سوی مرز ترکیه و سوریه است. دسامبر ۲۰۲۲ پس از رسیدن به بالاترین حد در ۲۴ سال اخیر در ماه اکتبر به ۲.۶۴ در رسید. درگیری‌های مداوم بین پک و ارتش ترکیه نیز بسیاری از روستایی‌ها را مجبور به ترک خانه‌ها و زمین‌های خود و اسکان مجدد در شهرها و شهرستان‌ها در اقامتگاه‌های موقت کرده است. این خانه‌ها هنگام وقوع زلزله به‌راحتی تخریب می‌شوند. ترکیه میزبان ۶.۳ میلیون پناه‌جوی سوری است که بیش‌ترین تعداد پناه‌جویان در جهان را از این درگیری‌ها در جهان دارد. با سرازیرشدن آنها به ترکیه، استانداردهای ایمنی فراموش شده است و آنها به سادگی به سقف بالای سر خود بسنده می‌کنند. به نظر می‌رسد زمین‌لرزه‌های ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ ترکیه در یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق خاورمیانه، باری مضاعف بر مردمی محروم و به‌شدت آسیب‌پذیر در دو سوی مرز ترکیه و سوریه است.

آیا از نظر زمین‌شناسی این احتمال وجود دارد که چنین اتفاقاتی در ایران نیز رخ بدهد؟
بله، این احتمال وجود دارد. شرایط به شکلی است که زلزله‌ای که در ترکیه رخ داد می‌توانست در تهران رخ بدهد. نکته مهمی که وجود دارد این است که هشدارهایی که در شرایط کنونی نسبت به زلزله در تهران، خوی، تبریز و... داده می‌شود به نوعی فرصت طلبانه است. به هر حال شرایط زلزله‌خیزی این شهرها

نوع فروپاشی ساختمان‌ها در ترکیه که به یک باره یک ساختمان چندین طبقه فرو می‌ریزد به چه دلیل است؟ آیا این موضوع به نوع ساختمان‌سازی‌ها بازمی‌گردد و یا به‌شدت زلزله؟
فروپاشی یکباره ساختمان‌های چند طبقه در ترکیه و ایران تصویری از آسیب‌پذیری ما را در مقابل زلزله را نشان می‌دهد. عمق زلزله اول حدود ۲۰ کیلومتری زمین بوده است و زلزله دوم در عمق ۱۵ کیلومتری رخ داد. هم عمق و هم بزرگای قابل ملاحظه هر دو زلزله باعث شد این رخدادهای لرزه‌ای در گستره وسیع جغرافیایی احساس شود. بیشتر ترکیه بر روی ورقه زمین‌ساختی آناتولی واقع شده است و یک بین‌دور ورقه اصلی اوراسیا و آفریقا و یک ورقه کوچک به نام عربی قرار دارد. با جای‌جای ورقه‌های بزرگ

آفریقا و عربی، ترکیه به معنای واقعی کلمه فشرده می‌شود، درحالی‌که ورقه اوراسیا مانع هر حرکت به سمت شمال می‌شود. بنابراین، ترکیه بر روی چندین گسل قرار دارد. گسل آناتولی شمالی، جایی که ورقه‌های آناتولی و اوراسیا به هم می‌رسند از جنوب استانبول تا شمال شرقی ترکیه امتداد دارد. گسل شرق آناتولی حدود ۶۵۰ کیلومتر از ارتفاعات شرقی ترکیه تا دریای مدیترانه امتداد دارد، از آنجا به سمت جنوب می‌چرخد و به انتهای شمالی سامانه بزرگ شکستگی های می‌رسد که ورقه‌های آفریقا و عربی را از هم جدا می‌کند. با وجود تلاش و پیشرفت ترکیه مدرن برای تاب‌آوری در برابر زلزله، ترکیه برای رویارویی با زلزله نااماده باقی مانده است. بسیاری از ساختمان‌های استانبول مدرن‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین شهر ترکیه مطابق با استانداردهای ایمنی در برابر زلزله ساخته نشده‌اند. فقر کلی کشور نیز عاملی